

گفت‌وگو با دکتر «علی سعدوندی» متخصص بین‌المللی بانکداری و تحلیل‌گر اقتصادی

نبود ساختار نظارتی بانک در کشور



دکتر علی سعدوندی؛ متخصص بین‌المللی بانکداری و تحلیل‌گر اقتصادی در گفت‌وگو با ما می‌گوید که در نظام بانکداری متعارف جهان سعی بر ایجاد یک نظام متعادل شده است، اما متأسفانه در کشورمان به اسم بانکداری اسلامی شرایطی ایجاد شده است که بالاترین سطح سوء مدیریت و فساد در نظام بانکی دیده می‌شود و نتیجه آن تورم بالایی است که در ۵۳ سال گذشته در کشور شاهد بوده‌ایم.

مهم‌ترین مشکل در نظام بانکداری کشور، تخصیص غیربهبینه منابع است؛ اصلاً بانکداری در کشور ما وجود ندارد. برخی منتقد بانکداری خصوصی هستند، درحالی‌که کلاً بانکداری خصوصی در ایران وجود ندارد. بانکداری که در ایران اجرا می‌شود مانند جاروبرقی است که منابع مالی را از اقشار فرودست به سمت قشرهای بهره‌مند و نزدیکان به بانک‌هایی که مورد تفقد قرار گرفته‌اند، پمپاژ می‌کند. او یادآوری می‌کند که زیان انباشته‌ای که در بسیاری از ترازنامه‌های بانکی دیده می‌شود، با واقعیت فاصله نجومی دارد که متأسفانه در نهایت از جیب مردم عادی جامعه با ایجاد تورم برداشته می‌شود. در دنیا نظام نظارتی بانکی، نظام چندلایه است، اما در کشور ما اصلاً نظارت بانکی وجود ندارد. برای اصلاح ساختار مالی نظام بانکی و ناترازی این سیستم در کشور، نخست باید نظام نظارتی بانکی اصلاح شود. ادغام گسترده بانکی و اجرای اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها نیز باید جدی گرفته شود. وی همچنین معتقد است که برنامه پنج‌ساله هفتم در زمینه سیاست‌گذاری پولی خیلی دقیق تنظیم نشده است؛ بنا بر این است که نرخ تورم تا انتهای برنامه به زیر ۱۰ درصد کاهش پیدا کند، درحالی‌که سیاست‌های ضد تورمی بایستی قاطع و سریع اجرا شود. در بودجه ۱۴۰۴ نیز تأکید بر تثبیت تورم است، یعنی که تورم بالا حفظ شده و هم‌زمان رشد اقتصادی ایجاد شود که سیاست کاملاً نادرستی است. باید کنترل تورم در اولویت قرار گیرد. مشروح گفت‌وگو با دکتر سعدوندی در ادامه آمده است.

که یک نظام متعادل ایجاد شود، لذا به نظر می‌رسد که بانکداری متعارف امروز در جهان بیشتر به تحقق اهداف بانکداری اسلامی منجر شده است؛ اما متأسفانه در کشورمان به اسم بانکداری اسلامی شرایطی ایجاد شده که بالاترین سطح سوء مدیریت و موارد متعدد فساد در نظام بانکی دیده می‌شود که نتیجه آن نرخ تورم مستمر بالایی است که در ۵۳ سال گذشته در کشور شاهد بوده‌ایم.

برخی از کشورها در جهان، راهکار اجرای بانکداری اسلامی را با قرارگیری عده‌ای از

بانکداری اسلامی در ذهن وجود داشته، محقق شده است؛ یعنی نه تنها ظلم و ستمی که به سپرده‌گذار و تسهیلات‌گیرنده در نظام بانکی وجود داشته، کم نشده، بلکه به مراتب بیشتر هم شده است، در نظام بانکداری متعارف در جهان سعی شده است

♦♦ **بانکداری در کشور ما چقدر از آرمان‌های بانکداری اسلامی فاصله دارد و شورای فقهی در بانکداری چقدر توانسته است تا بانکداری اسلامی را محقق کند؟**

واقعیت این است که بانکداری در کشور ما کاملاً برخلاف آرمان‌هایی که از نظام



نه تنها نظام بانکداری، اسلامی نیست، بلکه این به اصطلاح نظام بانکداری اسلامی هم حتی بانکداری نیست؛ فاجعه‌ای که در این سال‌ها اتفاق افتاده است.

اگر بخواهیم شرایط را تغییر دهیم، باید موارد متعددی در نظام بانکداری به اجرا درآید که مهم‌ترین آن، اعطای وام‌ها به پروژه‌هایی است که بالاترین بازدهی و کمترین ریسک را دارند. در حال حاضر به بهانه‌های متعدد منابع ارزشمند بانکی به پروژه‌هایی اعطا می‌شود که معمولاً بازدهی کافی نداشته و بعضاً از ابتدا هم مشخص بوده که زیان‌ده هستند؛ به‌عنوان مثال به تسهیلات تکلیفی بانک‌ها می‌توان اشاره کرد یا موارد متعدد دیگر که بانک‌ها یا در خدمت دولت، بخش خاکستری اقتصاد و خصولتی‌ها هستند و یا در خدمت سهامداران بانک‌هایی که تحت عنوان بانک خصوصی شناخته می‌شوند و متأسفانه هیچ‌کدام از استانداردهای بانکداری خصوصی در دنیا را رعایت نمی‌کنند. به عبارتی در کشور ما بانکداری، بانکداری اسلامی و بانکداری خصوصی وجود خارجی ندارند.

برخی از افراد منتقد بانکداری خصوصی هستند، درحالی‌که کلاً بانکداری خصوصی در ایران وجود ندارد. بانکداری که در ایران اجرا می‌شود، به‌مثابه جاروبرقی است که منابع مادی و مالی را از اقشار فرودست جامعه به سمت اقشار بهره‌مند و نزدیکان به بانک‌هایی که مورد تققد قرار گرفته‌اند، پمپاژ می‌کند.

◆ آثار اقتصادی زیان انباشته نظام بانکی چیست، این چالش ناشی از چه عواملی است و نهادهای نظارتی در کنترل آن چه کرده‌اند؟

اولاً زیان انباشته‌ای که در ظاهر در ترازنامه بانک‌ها مشاهده می‌شود با واقعیت تفاوت جدی و اساسی داشته و بسیار بالاتر است. متأسفانه نهادهای ناظر مثل معاونت نظارتی بانک مرکزی و سازمان بازرسی کل کشور در اعمال نظارت بر نظام بانکی کوچک‌ترین

دارد و حتی در چند دهه گذشته به‌شدت تشدید شده است. بنابراین بدون نیاز به تخصص بانکی یا فقهی می‌توان اعلام کرد شوراهای فقهی در بانک مرکزی و بازار سرمایه در چند دهه گذشته موفق نبوده‌اند.

◆ عوامل تولیدکننده سیکل معیوب در نظام بانکداری کشور چیست؟

مهم‌ترین مشکل در نظام بانکداری کشور این است که تخصیص منابع به‌صورت بهینه انجام نمی‌شود؛ یعنی با وجود وظایف متعددی که بر نظام بانکی تحمیل و بر دوش آن گذاشته شده، امکان بانکداری مدرن از نظام بانکداری سلب شده است. اصلاً بانکداری در کشور ما وجود ندارد.

علمای دین در رأس نظام بانکداری با هدف تأیید وضع موجود عملی کرده‌اند. می‌توان چند کشور اسلامی از جمله بحرین و مالزی را نام برد که در این کشورها سعی شده شورای فقهی ایجاد شود و این شورا، یک ماشین امضا بوده است. البته بانک‌هایی که از شوراهای فقهی و علما در جهان اسلام تأییدیه می‌گیرند، معمولاً از طریق منابع کلان مادی سعی در جبران این تأییدیه دارند؛ چون بهترین ابزار تبلیغاتی برای این نوع بانک‌ها به حساب می‌آید. خوشبختانه در کشور ما چنین روبه‌ای وجود ندارد. از طرفی در کشور ما تاکنون شورای فقهی در جهت تغییر شرایط نظام بانکی حرکت نکرده و همچنان همان مشکلات قبلی وجود



- نکته چهارم اینکه اصول حاکمیت شرکتی در بانکها به‌طور جدی پیگیری و به اجرا در آید. در مجموع اگر موارد فوق صورت گیرد، می‌توان انتظار داشت که به‌تدریج شرایط نظام بانکی اصلاح شده و بتوان بعد از ۵۰ سال مشکل تورم را در کشور حل نمود.

♦♦ با توجه به اهمیت نرخ بهره در اقتصاد هر کشوری، چه ارزیابی از چگونگی نرخ بهره در کشور و اثرات اقتصادی آن دارید؟

مهم‌ترین قیمت در هر اقتصادی، نرخ بهره است. نرخ بهره بر تمامی قیمت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی تأثیرگذار است، چون سطح سرمایه‌گذاری در جامعه نسبت به نرخ بهره بسیار حساس است. بنابراین تنظیم دقیق نرخ بهره بسیار مهم است. معمولاً در کشورهای پیشرفته وظیفه تنظیم نرخ بهره به عهده یک شورای تخصصی مستقل است. در کشور ما در گذشته شورای پول و اعتبار و در حال حاضر هیئت عامل بانک مرکزی این مسئولیت را بر عهده دارد که متأسفانه برخی از مسئولان اقتصادی دولتی در این نهادها حضور داشته و دارند و همین موضوع باعث می‌شود که تعارض منافع شکل گیرد و نرخ بهره به‌درستی تعیین نشود.

از سوی دیگر در چند سال گذشته بین نرخ‌های بهره متفاوت، فاصله یا شکاف بزرگی ایجاد شده است؛ به‌عنوان مثال نرخ بازار بین‌بانکی تقریباً ثابت مانده، ولی نرخ اوراق آخرا (اسناد خزانه اسلامی) و ایراد (اوراق مباحه دولتی) به‌شدت رشد کرده و در طی چند سال گذشته نوسان زیادی داشته است. این موضوع نقض غرض است و نرخ بهره به‌درستی تعیین نمی‌شود. اگر قرار باشد نرخ بهره به‌درستی تعیین شود باید شورای تخصصی به وجود آید و نیز «نرخ بهره هدف» به عموم اعلام شود. تأثیر این اعلام در اثرگذاری سیاست پولی و سیاست نرخ بهره دارای اهمیت ویژه است. متأسفانه در کشور ما مطلقاً اصول تعیین

مستقل در بانک مرکزی داشته باشیم؛ همان نهاد بالاسری و به همان شیوه‌ای که رییس بانک مرکزی تعیین می‌شود، باید معاونت نظارتی بانک مرکزی هم تعیین شود؛ به‌طوری‌که رییس بانک مرکزی قدرت عزل معاون نظارتی را نداشته باشد، - نکته دوم این‌که باید نهادی خارج از بانک مرکزی بر نظام بانکی و معاونت نظارتی بانک مرکزی نظارت جداگانه‌ای داشته باشد و علاوه بر بانک باید بر شرکت‌های بیمه و کل مجموعه مالی از جمله سازمان بورس و ساختار بازار سرمایه، نظارتی از سوی یک نهاد مجزا صورت گیرد. توصیه من این است که در کنار سایر نهادهای نظارتی مثل نیروهای امنیتی یا سازمان بازرسی کل کشور یا دیوان محاسبات، ادغامی در بخش نظارت بر نظام بانکی و نظام مالی کشور صورت گرفته و یک نهاد جدید به وجود آید که سالم‌تر، چابک‌تر و تخصصی‌تر به نظارت بانکی و مالی بپردازد.

- نکته سوم این‌که بایستی تمامی مدیرانی که در سال‌های گذشته موجب ایجاد ناترازی در نظام بانکی شده‌اند، شناسایی شده و قدرت خلق پول به‌طور کامل از آن‌ها گرفته شود. در این صورت به شرایطی خواهیم رسید که تعداد مدیران متخصصی که در گذشته خوب عمل کرده‌اند، بسیار محدود خواهند بود و به همین سبب باید به سمت ادغام گسترده بانکی در جهت استفاده از نیروهای معدودی که توانایی مدیریت بانکی را دارند، حرکت نمود.

در کشور ما تاکنون شورای فقهی در جهت تغییر شرایط نظام بانکی حرکت نکرده و همچنان همان مشکلات قبلی وجود دارد و حتی در چند دهه گذشته به‌شدت تشدید شده است. بنابراین بدون نیاز به تخصص بانکی یا فقهی می‌توان اعلام کرد شوراهای فقهی در بانک مرکزی و بازار سرمایه در چند دهه گذشته موفق نبوده‌اند.

توفیقی نداشته‌اند. دلیل این شکست بزرگ نظارتی این است که اصولاً نظارت بانکی از پشتوانه قانونی و مقرراتی برخوردار نبوده و نیست و این مسئله باعث شده که بانکها وام‌هایی را اعطا کنند که از روز اول می‌دانند که این وام‌ها باز نمی‌گردد و زمانی هم که مشخص می‌شود که وام‌ها باز نمی‌گردد و اقساط بانکها به تعویق می‌افتد، بانکها به‌تدریج و خیلی آهسته اقدام به شناسایی زیان می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت زیان انباشته‌ای که در بسیاری از ترازنامه‌های بانکی دیده می‌شود، با واقعیت فاصله نجومی دارد و متأسفانه همین زیان انباشته در نهایت از جیب مردم عادی جامعه با ایجاد تورم برداشته می‌شود. همچنین در سلسله مراتب بانکی، بانک‌هایی که زیان انباشته پیدا می‌کنند، از بانک مرکزی اضافه برداشت دارند.

معمولاً در کشورهای دیگر جهان یک نهاد قدرتمند نظارتی وجود دارد که وقتی که بانک‌ها به مدت یک ماه و نیم یا ۴۵ روز اقدام به اضافه برداشت می‌کنند، بازرسان نهاد ناظر بانکی به آن بانک خاطی گسیل شده و دستورالعمل‌های محدودکننده‌ای تحت عنوان Prompt corrective actions صادر و یا اقدامات اصلاحی فوری اجرا می‌شود. چنین دستورالعمل‌هایی در کشور ما وجود ندارد.

♦♦ راهکار اصلاح ساختار مالی نظام بانکی و

ناترازی این سیستم در کشور چیست؟
برای اصلاح ساختار مالی نظام بانکی و ناترازی این سیستم، باید اصلاحات جدی بانکی صورت بگیرد که مواردی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- نخستین اصلاح باید در نظام نظارتی بانکی باشد. در دنیا نظام نظارتی بانکی، نظام چندلایه است. متأسفانه در کشور ما کلاً نظارت بانکی وجود خارجی ندارد. البته اصلاحاتی در قانون اخیر بانک مرکزی صورت گرفته، ولی این اصلاحات به نظر بنده کافی نیست. باید یک معاونت نظارتی

◆ در کل راه‌های چیرگی بانک مرکزی برای

نظارت بهینه آن بر بانک‌ها چیست؟

همان‌طور که در سؤالات قبل اشاره شد در دنیا نظام نظارتی چندلایه و چندگانه وجود دارد، به‌طوری‌که در داخل بانک‌ها، واحدی تحت عنوان واحد اعمال یا تطبیق مقررات یا همان واحد Compliance وجود دارد؛ این واحد موظف است که به‌عنوان پلیس خصوصی در بانک عمل کرده و مطمئن شود که مقررات به‌درستی اجرا می‌شود. معمولاً اعضای هیئت‌مدیره بانک‌ها بر اساس اصول حاکمیت شرکتهای تعیین شده و موظف به اجرای این اصول حاکمیتی هستند و همین عامل موجب می‌شود که مهار خوبی بر نظام بانکی در دنیا صورت گیرد.

در خارج از بانک، نظارت جدی از سوی نهاد ناظر که در کشور ما می‌تواند بانک مرکزی باشد وجود دارد، منتها معاونت نظارتی بانک باید مستقل باشد که متأسفانه در کشور ما چنین نبوده و نیست. از طرف دیگر بر طبق مقررات بازرسی بانک‌ها موظف به افشای اطلاعات هستند. لذا کل بازار به‌خصوص سهام‌دارانی که در بازار بورس حضور دارند، اعمال نظارت جدی بر فعالیت‌های بانک خواهند کرد و اگر بانکی تخلف کند و ریسک زیادی بردارد و یا دچار زیان شود، با کاهش قیمت سهام بانک در بازار، مدیران بانک تنبیه و عموماً متوجه می‌شوند که بانک دچار مشکلات اساسی است.

علاوه بر همه این‌ها در نظام‌های پیشرفته‌ای مثل آلمان، نهاد مستقل دیگری تحت عنوان بافین وجود دارد که بر تمامی بانک‌ها، مؤسسات مالی و بیمه‌ای و حتی بر بازار سرمایه یک نوع نظارت از بالا دارد که بسیار مؤثر است، از این جهت که مطمئن می‌شوند دستگاه‌های نظارتی دیگر کارشان را به‌درستی انجام می‌دهند. متأسفانه در ایران کلاً ساختار نظارتی بانک وجود خارجی ندارد و باید از نو ایجاد شود و از نظر قانونی هم نظارت بانکی از استحکام کافی برخوردار نیست. بنابراین در حال حاضر نمی‌شود امیدی به نظارت بانکی در کشور داشت. ◆◆



موجود را به‌درستی نمی‌بینند.

در مجموع اگر قرار باشد نرخ تورم کاهش پیدا کند باید تمامی سیاست‌ها در جهت کنترل تورم همسو باشد. در حال حاضر در بودجه سال ۱۴۰۴ تأکید بر تثبیت تورم است؛ یعنی هدف این است که تورم بالا، حفظ و همزمان رشد اقتصادی ایجاد شود که به اعتقاد من سیاست کاملاً نادرستی است، باید کنترل تورم را در اولویت قرار دهند.

نرخ بهره رعایت نشده و یکی از انتقادهای جدی که به نظام تصمیم‌گیری و بویژه بانک مرکزی وارد است، همین مسئله تعیین نرخ بهره است که معمولاً التهاب‌ها را در اقتصاد تشدید کرده است.

◆ در مورد تدوین سیاست‌های پولی

متناسب با اهداف برنامه هفتم توسعه

کشور، چه نظرات و پیشنهادهایی دارید؟

متأسفانه برنامه پنج‌ساله هفتم در زمینه سیاست‌گذاری پولی خیلی دقیق تنظیم نشده است، به‌طوری‌که بنا بر این است که تا انتهای این برنامه، نرخ تورم به زیر ۱۰ درصد کاهش پیدا کند که با توجه به این‌که معمولاً سیاست‌های ضد تورمی باید قاطع و سریع اجرا شود، مشخص است که تنظیم‌کنندگان برنامه پنج‌ساله هفتم از اصول و ادبیات کنترل تورم آگاهی کافی نداشته‌اند. در حال حاضر تعارضات جدی در برنامه پنج‌ساله وجود دارد و مسئولان فعلی سازمان برنامه‌بودجه و بانک مرکزی کلاً توجهی به برنامه تنظیم شده ندارند. اگر چه ریاست محترم جمهور بر اجرای این برنامه تأکید جدی دارند، همین موضوع نشان می‌دهد که شاید ایشان تعارض‌های

مهم‌ترین مشکل در نظام بانکداری کشور این است که تخصیص منابع به‌صورت بهینه انجام نمی‌شود؛ یعنی با وجود وظایف متعددی که بر نظام بانکی تحمیل و بر دوش آن گذاشته شده، امکان بانکداری مدرن از نظام بانکداری سلب شده است. اصلاً بانکداری در کشور ما وجود ندارد. نه تنها نظام بانکداری، اسلامی نیست، بلکه این به اصطلاح نظام بانکداری اسلامی هم حتی بانکداری نیست؛ فاجعه‌ای که در این سال‌ها اتفاق افتاده است.